انترناسیونال 791

شهاب بهرامی

**فاجعه یمن!**

بار دیگر جنگِ یمن و حمله مرگبار نیروهای ائتلاف به رهبری عربستان سعودی بعنوان یکی از مهمترین وقایع هفته، به صدر اخبار رانده شد. مدتها قبل از تصمیم حمله نظامیِ نیروهای ائتلاف به بندر حدیده که در کنترل نیروهای حوثی قرار دارد، سازمانهای مدافع حقوق بشر و نهادهای انسان دوست، خواهان جلوگیری از این حمله شده و هشدار داده بودند که ادامه این جنگ در حدیده به یک فاجعه تمام عیار انسانی منجر خواهد شد.

همزمان با اوجگیری قیام های مردمی که به بهار عربی مشهور شد، مردم یمن نیز در مارس دوهزار و یازده علیه دولت علی عبدالله صالح قیام کردند. نیروهای جنبش حوثی که پیشتر مواضع خود را در شمال این کشور مستحکم کرده با بهره گیری از این شرایط انقلابی رسما در دوران گذار که دو سال بطول انجامید مشارکت نمودند. با کشته شدن عبدالله صالح و ناتوانی جانشین وی "هادی" حوثی ها دامنه نفوذشان را به مناطق غربی کشور نیز بسط دادند. امروز کشور یمن عملا به دو بخش شمالی و جنوبی بین این نیروها تقسیم گشته است.

گفته می شود تکرار فاجعه سوریه در یمن و بن بست سیاسی برای پایان دادن به این جنگ طولانی بخاطر ناتوانی و عدم دخالت جدی سازمان ملل بوده در عین حال هم، نیروهای ائتلاف که از حمایت تمام عیار آمریکا، انگلیس و آلمان برخوردارند و هم نیروهای شبه نظامی حوثی که کشورهای امارات متحده و ایران از حامیان اصلی بشمار می آیند هیچ تمایلی برای پایان دادن به این جنگ ندارند. در این میان فرانسه خواهان جدی قطع فوری جنگ است، چرا که غول نفتی فرانسوی توتال که انحصار استخراج مخازن بیکران گاز مایع یمن را دارد فعلا عملا بیکار است.

هزینه جنگ یمن برای سعودی ها تا به امروز از مرز پنجاه میلیارد دلار گذشته است، کشورهای آمریکا، آلمان و انگلیس سه کشور اصلی فروشنده تسلیحات به نیروهای ائتلاف هستند، جدای از این، نیروهای درگیر نیز تمایلی برای پایان دادن به جنایت هایشان را ندارند. سیستم بوروکراسی فاسد رئیس جمهور هادی، به چپاول و مال اندوزی و قاچاق همه چیز مشغولند. نیروهای حوثی بغیر از حقوقهای دلاری که از اماراتی ها دریافت می کنند، دکان باجگیری، راهزنی، مالیات گیری، قاچاق و راهای دیگر، ثروتهای هنگفتی را بدست آورده اند. داستان آشنایی که در ایران نیز، مردم هر روزه شاهدند.

آنچه در این میان غایب است آنچه که به تصویر کشیده نمی شود وجود میلیونها جنگ زده، بیخانمان، مریض و گرسنه ای است که مستقیما قربانی سیاست های آشکارا ضد بشری هر دو طرف درگیر در این جنگ است. در این میان تراژدی کودکان قربانیِ جنگ، جانکاه تر از هر چیز دیگری است. به گفته سازمان فرادولتی "حفاظت از کودکان" ظرف دوسال گذشته بیش از هشتاد و پنج هزار کودک بر اثر سوء تغذیه شدید جان خود را از دست داده اند. یعنی به ازای هر کودکی که بوسیله انفجار بمب کشته می شود نه کودک در اثر گرسنگی می میرند.

متاسفانه در سطح جهانی هیچ گونه تمایل و تلاش جدی و مسئولانه ای از طرف نهادهای قدرتمند بین اللمللی برای پایان دادن به این جنایت هولناک دیده نمی شود. در سطح بین المللی نیروهای ضد جنگ از همان جنسی که علیه حمله بوشِ پسر به عراق، تظاهرات سی میلیونی در چهار گوشه جهان بپا کردند خبری نیست. در داخل یمن نیز نیروهایی که در صف اول قیام بهار عربی رژه می رفتند از صحنه سیاسی محو شده اند. تنها راه نجات مردم یمن عروج تشکلات کارگری و سوسیالیستی برای پایان دادن به جنگ و رهایی مردم از چنگال همه جانوران قومی و مذهبی در این کشور است. در خارج کشور باید به سازمان ها ونهاد های حقوق بشری و انساندوست، همچنین اتحادیه ای کارگری مطرح و توانمند و افکار عمومی فشار آورد که دست به سازمان دادن اعتراضی وسیع علیه سکوت و مماشات اتحادیه اروپا و سازمان ملل بزنند و آنها را برای اقدامی سریع و عاجل برای قطع فوری جنگ وادارند.